بررسی آفت های گفتار در آیات و روایات

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 7

بیهوده گویی

نهی از سخن لغو و بیهوده

خداوند متعال، اسباب و عوامل دست یابی به علم و دانش و رسیدن به قله های پر ارج دانایی و آگاهی را در اختیار انسان قرار داده و کلام را یکی از راه های انتقال دانش و فضیلت بر شمرده است.

پروردگار حکیم، انسان را از گفتاری که هیچ سود و بهره ای برای او ندارد، بر حذر می دارد و در قرآن کریم، آدمیان را از بیهوده گویی نهی می کند، به گونه ای که شنیدن سخنان لغو را عامل بازدارنده آدمی از کمال می شمارد و دوری از بیهوده گویی را نشانه کرامت انسان می داند و می فرماید:

«إذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أعْرَضُوا عَنْهُ وَ قالُوا لَنا أعْمالُنا و لَکُم أعْمالُکُم سلامٌ عَلَیْکم لا نَبْتَغِی الجاهِلینَ».

«و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی بر می گردانند و می گویند اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن خودتان، سلام بر شما ما خواهان جاهلان نیستیم.»

این گونه افراد، به سخنان بیهوده و گزاف گوش نمی دهند و ارزش وقت خود و دیگران را به خوبی می دانند و در برابر آن احساس مسئولیت می کنند. اینان از عمر گرانمایه و فرصت های زندگی بهترین استفاده ها را می برند تا حسرت و پشیمانی دامن گیرشان نشود.

خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم

شطح و طامات به بازار خرافات بریم

سوی رندان قلندر به ره آورد سفر

دلق بسطامی و سجاده طامات بریم.

ویژگی مجالس خوب

در قرآن کریم وقتی از بهشت به عنوان محفل برگزیدگان و دوستداران و پاکان درگاه الهی سخن به میان می آید، خداوند پاکی از لغو و بیهوده گویی را یکی از ویژگی های برجسته آن می شمارد. آنان که در این دنیا به عشق و شوق حق تعالی از کارها و سخنان و افکار پوچ و غیر مفید دور بودند، آن گاه که به منظور پاداش، در جوار روضه جاوید خداوندی آرام می گیرند، مسلم است که نه لغو می گویند و نه لغو می شنوند. در حقیقت، در مجلس ها و محفل ها، ما نیز باید از چنین هم نشینی ها الگو برداریم و مانند آنان از بیهودگی دوری گزینیم؛ مجلسی که:

«لا یَسْمَعُونَ فیها لَغْوا وَ لا تَأثیما إلاّ قیلاً سلاما سلاما».

«در آن جا سخنان بیهوده و گناه آلود نشوند و گفته نمی شود در آنجا، مگر سخنی که سلام است و سلام.»

بنابراین، آن گاه که مجالس دنیوی از سخنان بیهوده و گناه آلود به دور باشد، در حقیقت نسیمی از بهشت بر آن ورزیده است. در آیه ای دیگر نیز با اشاره به پاکی و پیراستگی مجلس بهشتیان از لغو، می فرماید:

«لا یَسْمَعُونَ فیها لَغْوا وَ لا کِذّابا»؛ «در آنجا سخن لغو و دروغی نمی شنوند.»

در حقیقت، این گروه در بهشتی جای دارند که «لا تَسْمَعُ فیها لاغِیَةٌ»؛ در آن سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند. (غاشیه:11) و همین امر، وجه تفاوت مجالس بهشتی با بعضی از نشست های دنیوی است. در برخی مجالس دنیایی، افراد درباره وقت دیگران کمتر احساس مسئولیت می کنند و آن را با سخنانی لبریز می سازند که نه تنها نگفتن آن ها ضرری ندارد، بلکه وانهادن این سخنان، مفید به حال همه خواهد بود.

شاید عده ای کمتر به این فکر کنند که چه مقدار از گفته هایشان برای شنوندگان مفید بوده است؟ سخنانشان تا چه میزان از محتوا و مضمون عالی برخوردار است؟ آیا گفتارشان تاریکی جهلی را به روشنایی تبدیل کرده است؟ به علم و دانش حاضران افزوده یا فرصت های گران بهای آنان را به هدر داده است؟ با خود بیندیشیم که آیا در زندگی فقط در پی پر کردن اوقات فراغت هستیم یا به فکر استفاده بهتر از آن ها و اساسا چقدر می کوشیم تا دیگران از فرصتی که در کنار ما هستند، بیشترین و بهترین بهره ها را ببرند.

اگر می خواهیم مجالس دنیوی ما شباهت بیشتری به محفل های بهشتیان داشته باشد، باید پاسخی منطقی و شایسته برای پرسش های بالا داشته باشیم. در صورت بهره مندی از پاسخی نیکو، مطمئن خواهیم شد که نشست های دوستانه ما، الگوهایی کوچک و کامل از مجالس خوب خواهد بود؛ همان که بی شک خداوند نیز آن را پسندیده و پر برکت قرار داده است.

بهترین سخن

سخن بیهوده و بی فایده، مطرود و بی ارزش است. در مقابل، سخنی که به حال اشخاص و جامعه از نظر مادی و معنوی، دنیوی یا اخروی، فردی یا اجتماعی سودمند واقع شود، شایسته گوش سپاری و ارج نهادن است. چه بسا کلامی نیک، زندگی فرد یا یک اجتماع را از گرفتاری می رهاند و رسم و آیین جاهلانه و ناپسندی را، به آداب معقول و منطقی تغییر می دهد. چنین سخنی، در پیشگاه خداوند متعال و بزرگان معرفت و دانش، ارزشمند است. وقتی کلامی، فردی گمراه و منحرف از حق را به راه سعادت و هدایت آورد، گویی همه انسان ها را نجات داده و هدایت کرده است.

امام علی «علیه السلام» می فرماید:

«فَانَّ خَیْرَ القَوْلِ ما نَفَعَ وَ اعْلَمْ اَنَّهُ لا خَیْرَ فی عِلْمٍ لا یَنْفَعُ»

«بهترین سخن آن است که سودمند باشد و آگاه باش علمی که سود نبخشد، در آن خیری نیست.»

اگر همه گفته های بشر مفید باشد، پله های معرفت و پیشرفت را به سرعت می توان پیمود. بدین ترتیب، دانایان و عارفان برای عرضه دانش و عموم مردم برای گوش کردن و بهره گرفتن، فرصت بیشتری می یابند. گفتار مفید، شایسته محفل دانایان است و سخن پوچ و بیهوده، در این محافل راهی ندارد. جایگاه انسان در نظام آفرینش، بسیار برتر از دیگر موجودات است و او با قدرت بی مانند عقل و اندیشه خویش سزاوار است گفتار و کردارش پر معنی و مفید و همواره از بیهودگی و پوچی پاک و پیراسته باشد.

صائب می گوید:

ناصح از بیهوده گویی آبروی خویش برد

بوی خون آید از افغان، مرغ بی هنگام را

شاعر دیگری نیز گفته است:

خواهی مدام توسن دولت به خویش رام

ز اندازه دار بر سر گفتار خود لجام

هرزه نفس مباش به هر جای چون جرس

چون نای پاس دار سخن را به هر مقام.

آثار سخنان زیبا و نازیبا

سخن زیبا، آثار و برکت های فراوانی دارد و تنها نصیب کسی خواهد شد که زبان خود را به زیباگویی عادت دهد. امام زین العابدین «علیه السلام»، به پنج نمونه از آثار آن اشاره فرموده است:

«القولُ الحسنُ یُثْرِی المالَ وَ یُنْمِی الرّزْقَ وَ یُؤخِّرُ الاجَلَ وَ یُحَبِّبُ اِلَی الاهْلِ وَ یُدْخِلُ الْجَنَّةَ»

«سخن زیبا مال و ثروت را زیاد می کند؛ روزی را افزایش می دهد؛ مرگ را به تأخیر می اندازد؛ آدمی را محبوب خانواده اش می سازد و او را وارد بهشت می کند.»

امام علی «علیه السلام» نیز خوش زبانی و نیک گفتاری را موجب زیاد شدن دوستان و کم شدن دشمنان می داند و می فرماید:

«غَوِّد لِسانَکَ لینَ الکَلامِ وَ بَذْلَ السَّلامِ یَکْثُرْ مُحِبُّوکَ وَ یَقِلُّ مُبْغِضُوکَ»

«زبانت را به نرم گویی و سلام دادن عادت ده تا دوستان تو بسیار و دشمنانت اندک شوند.»

از سوی دیگر، آسیب های زبان نیز مسئله بسیار مهمی است که باید به طور جدی به آن توجه کرد. بد زبانی و سخنان زشت و بیهوده از عمده ترین این آسیب هاست. بعضی افراد بر اثر پرگویی و بیهوده گویی، ناسنجیده هر سخنی را بر زبان می آورند، و به پیامدهای آن توجه نمی کنند. رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» در اندیشیدن به عاقبت سخن پیش از بیان آن، می فرماید:

«من لَم یَحْسَبْ کَلامَهُ مِنْ عَمَلِهِ کَثُرَتْ خَطایاهُ وَ حَضَرَ عَذابُه.»

«کسی که سخن خود را جزو اعمالش به حساب نیاورد و بی پروا حرف بزند، لغزش هایش بسیار و عذابش نزدیک شده است.»

شنیدن حکایت زیر در این باره بسیار آموزنده است:

آورده اند که مردی پارچه ای زربقت و گران بها یافته بود. با خود اندیشید که خوب است این طاقه زربفت را به سلطان هدیه کنم و جایزه ای بگیرم. از این رو، به دربار سلطان شتافت. اجازه ورود خواست و طاقه زربقت را تقدیم کرد. سلطان که از آن اثر هنری زیبا خوشحال و شگفت زده شده بود، از اطرافیان خود برای چگونگی استفاده از آن نظر خواست. یکی از آنان گفت: این پارچه برای انداختن روی مرکب شما مناسب است. دیگری آن را برای پوشش تخت سلطنت مناسب تر دانست. سومی گفت: برای پرده در کاخ سلطنتی شایسته تر است. سلطان گفت: خوب است نظر بافنده زربفت هنرمند را نیز جویا شویم، شاید نظر برتری داشته باشد. آن گاه رو به مرد پارچه باف کرد و پرسید: این پارچه زربفت برای چه مصرفی مناسب تر است؟ مرد بیچاره بدون آن که عاقبت کار و موقعیت مجلس را بسنجد، سخن بیهوده ای را بر زبان جاری ساخت و گفت: قربان! به نظر حقیر، این پارچه فقط برای انداختن روی جنازه شما مناسب است».

بدین ترتیب، این شخص نه تنها خود را از گرفتن جایزه سلطان بی بهره ساخت، بلکه خطری بزرگ نیز برای جان خود خرید.

پیامدهای سخنان لغو و بیهوده

بدیهی است وقتی سخن خوب، هدایت کننده است، سخن بیهوده نیز می تواند گمراه کننده باشد.

خداوند متعال می فرماید:

«و مِنَ النّاسِ مَنْ یَشْتَری لَهْوَ الحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ...).

«و برخی از مردم، سخنان بیهوده سرگرم کننده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند.»

مردم دانا همیشه به سخنان مفید علاقه مندند و از گفته های لغو پرهیز می کنند. از این رو، اگر کسی در همه حال بیهوده گویی کند، از اطراف او پراکنده می شوند و شخصیت او نیز تحقیر می شود. امام علی «علیه السلام» می فرماید:

«کَثرةُ الهَذرِ یَکْسِبُ العارَ»؛ «بیهوده گویی زیاد، ننگ و عار به بار می آورد.»

بسا خودنمایان بیهوده گوی

که باشند در بزمگه رزمجوی

اگر شخصی سخن نیک و سودمند برای گفتن ندارد، بی شک سکوت او، هم برای خود و هم برای مردم بسیار بهتر و سزاوارتر است.

چون نداری کمال فضل، آن به

که زبان در دهان نگه داری

آدمی را زبان فضیحه کند

جوز بی مغز را سبک ساری.

سعدی

سکوت فرد بیهوده گو، در حقیقت فرصت خوبی را برای دانایان مجلس فراهم می سازد تا در پرتو سخنان حکمت آموز خود، بهره و فیض لازم را به دیگران ببخشند.

باید هر کس به سهم خود، بکوشد گفتار بیهوده بر زبان نراند و این هرگز امکان پذیر نیست، مگر این که زبان آدمی در همه حال به فرمان او باشد. پیش از بیان هر چیز، آن را بر عقل و اندیشه اش عرضه کند و در صورت صلاحدید، آن را بر زبان جاری سازد. در این حال، چه بسا گفتن سخن، عین صواب است و ترک آن، جفا و ستم بر دیگران.

حضرت علی «علیه السلام» در کلامی آموزنده می فرماید:

«لا تَقُولَنَّ ما یُوافِقُ هَواکَ وَ اِنْ قُلْتَهُ لَهْوا أوْ خِلْتَهُ لَغْوا فَرُبَّ لَهْوٍ یُوحِشُ مِنْکَ حُرّا وَ لَغْوٍ یَجْلِبُ عَلَیْکَ شرّا.»

«هر آنچه را موافق و دلخواه هوای نفس توست، مگو و اگر سخنی از سر لهو یا بیهودگی بگویی چه بسا یک سخن سست، آزاد مردی را از تو برنجاند و یک حرف بیهوده، بد کرداری را علیه تو بشوراند.»

مگو آنچه بدخواه چون بشنود

ز گفتار بیهوده شادان شود

فردوسی

کرامت جوانمردی و نان دهی است

مقالات بیهوده طبل تهی است

سعدی

حضرت علی «علیه السلام» در توصیه دیگری، ارائه سخن را به در نظر گرفتن زمان و مکان وابسته می داند و می فرماید:

«لا تَتَکَلَّمَنَّ اذا لَمْ تَجِدْ لِلْکَلامِ مَوْقِعا»؛ «آن گاه که برای سخن زمان و مکان مناسبی نمی یابی، ساکت و خاموش باش».

البته سکوت و پرهیز از سخنان بیهوده، برای سه گروه سودمند است: اول، خود شخص که عیب او بر ملا نمی شود و کسی از او آزرده دل نمی گردد؛

دوم، دانایان که فرصت می یابند تا مروارید سخن عرضه کنند و سیاهی جهل را به صبح صادق و سپیده سخن پیوند زنند؛

و سوم، شنوندگان که در پرتو سخنان حکیمانه ره به سلامت و سعادت می سپارند.

نوع برخورد با بیهوده گویان

اگر انسان در مسائل رفتاری سنجیده و مناسب عمل نکند، پیامدهای ناخوشایندی به همراه می آورد. درگیری لفظی و بحث با فرد بیهودگو، بی گمان به ضرر دانایان می انجامد. مجادله با بیهوده گو، نه تنها او را اصلاح نمی کند، بلکه لجاجت و بی احترامی او را بر می انگیزد، سعدی می گوید:

جالینوس ابلهی را دید دست در گریبان دانشمندی زده بود و بی حرمتی همی کرد. گفت: اگر این دانا بودی، کار وی با نادان بدین جا نرسیدی.

دو عاقل را نباشد کین و پیکار

نه دانایی ستیزد با سبک بار

اگر نادان به وحشت سخت گوید

خردمندش به نرمی دل بجوید

خداوند در قرآن کریم روش برخورد با بیهوده گویان را چنین می آموزد:

«والَّذین لا یَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراما».

«و کسانی که به باطل و دروغ شهادت نمی دهند و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه می گذرند.»

پروردگار در آیه های 63 تا 76 سوره فرقان، صفات بندگان خاص خدای رحمان را بر می شمارد که یکی از آن ها برخورد کریمانه و صبورانه با بیهودگی است. این نوع رفتار، از یک سو می تواند نشانه نارضایتی فرد از مسئله ای بدون پرخاش و مجادله باشد تا شخص بیهوده گو به زشتی کار و گفتار خود پی ببرد و از سوی دیگر، این نوع رفتار برای همگان جذاب و دلپذیر است. اساسا فرد کریم با این بی توجهی و نارضایتی، اعلام می کند که از بیهوده گویان نیست و از آن ها بیزاری می جوید.

باید به کسانی که به پرگویی و بیهوده گویی مبتلا هستند، فهماند که انسان عاقل در مسیر زندگی و انجام دادن کارها باید هدف عاقلانه داشته باشد و از سخنان ناروا به شدت بپرهیزد.

سخن خوب، برخاسته از فکر و اندیشه سالم و پویاست. قدرت تفکر و اندیشه یکی از گران بهاترین نعمت های الهی است و شایسته است که انسان پیش از هر کاری درباره پیامدهای آن به خوبی بیندیشد و جنبه های نیک و بد آن را به درستی ارزیابی کند، چنانچه انجام دادن آن را مصلحت دید، اقدام کند، وگرنه از پرداختن به آن چشم بپوشد.

پی نوشت ها:

1. سوره قصص (28) آیه 55.

2. کلمه ای که بوی خودپسندی بدهد.

3. ادعاهای بزرگ و دعوی کرامت ها.

4. سوره واقعه (56) آیات 25 و 26.

5. سوره نبأ () آیه 35.

6. نهج البلاغه، نامه شماره 31.

7. بحارالانوار، ج 71، ص 310.

8. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج 4، ص 329.

9. میزان الحکمه، المجلّد الثالث، ص 2738، ح 17899.

10. مهدی فقیه ایمانی، نقش زبان در سرنوشت انسان ها، ص 384.

11. سوره لقمان (31) آیه 6.

12. غرر الحکم و درر الکلم، ص 561.

13. گردو.

14. غرر الحکم و درر الکلم، ص 807.

15. همان، ص 808.

16. کلیات سعدی، ص 153.

17. سوره فرقان (25) آیه 72.